

بررسی تصویر عاشق در غزلیات سعدی

سلیمه دارایی، تقی امینی مفرد^{*}، کبری نودهی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

آذر ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۹، صفحات ۱۳۳-۱۴۶

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۵۸۹

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: تصویر یکی از عناصر مهم زیبایی در شعر است. شاعر با بهره‌گیری از این عنصر، تجربیات عاطفی و ادراکات ذهنی خود را به کمک صنایع ادبی و شیوه‌های بلاغی چون تشبیه، استعاره، کنایه، و مجاز بگونه‌ای هنری و گیرا بدست می‌دهد. سعدی نیز از این گونه‌های بیانی بهره‌های فراوان برده است؛ بنابراین در این جستار از چشم‌انداز دو نگاره تشبیه و استعاره به پرنیان تصویر عاشق در غزلیات سعدی پرداخته شده است.

روش مطالعه: این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی به تبیین تصاویر عاشق در غزلیات سعدی پرداخته است. نخست تعاریفی از تصویر بیان شده، سپس تصاویر مربوط به عاشق در سیصدوشصت غزل سعدی از «دیوان غزلیات سعدی» به کوشش خطیب‌رهبر (۱۳۷۷) از نشر مهتاب، بررسی شده است.

یافته‌ها: دستاورد این پژوهش پس از بررسی تصاویر در سیصدوشصت غزل سعدی بیانگر آن است که تصاویری که معانی و دقایق ذهنی در شعر سعدی را بهتر مینمایانند، در سه گروه مربوط به حالات ظاهری، احوال درونی و صفات عاشق طبقه‌بندی میشوند.

نتیجه‌گیری: صفات عاشق بیشترین بسامد (۶۱٪) و تصاویر مربوط به حالات ظاهری عاشق کمترین کاربرد (۶٪) را دارد. این تصاویر - که بازتاب ضمیر شاعر در قالب واژه‌هاست و رکن اساسی شعر او را تشکیل می‌دهد - نشان‌دهنده قدرت کلام، فصاحت و دلنشینی سخن اوست.

تاریخ دریافت: ۰۶ مهر ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۰۹ آبان ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۲۱ آبان ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۰۸ دی ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

تصویر، غزل، عاشق، سعدی.

* نویسنده مسئول:

t.amini44@yahoo.com

۳۲۱۵۳۰۰۰ (۱۷ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Examining the image of a lover in Saadi's lyric poems

S. Daraee, T. Amini Mofrad*, K. Nodehi

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۲۸ September ۲۰۲۱

Reviewed: ۳۱ October ۲۰۲۱

Revised: ۱۲ November ۲۰۲۱

Accepted: ۲۹ December ۲۰۲۱

KEYWORDS

Image, Ghazal, lover, Sa'adi

*Corresponding Author

✉ t.amini44@yahoo.com

☎ (+۹۸ ۱۷) ۳۲۱۵۳۰۰۰

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Image is one of the important elements of beauty in poetry. Using this element, the poet obtains his emotional experiences and mental perceptions with the help of literary industries and rhetorical methods such as similes, metaphors, ironies, metaphors, etc. in an artistic and captivating way. Sa'adi has also benefited a lot from this kind of expression. Therefore, in this article, the image of the lover in Sa'adi's lyric poems is discussed from the perspective of two images of simile and metaphor.

METHODOLOGY: This article explains the images in a descriptive-analytical manner. First, definitions of the image are given, then the images related to the lover in three hundred and sixty Sa'adi ghazals from the book "Saadi's lyric poems" have been studied by the efforts of Khatib Rahbar (۱۹۹۸) from Mahtab Publishing.

FINDINGS: The result of this research, after examining the images in Sa'adi's three hundred and sixty sonnets, indicates that the images that mean and They better represent the mental minutes in Saadi's poetry, they are classified into three groups related to emotions, body, and lover traits.

CONCLUSION: Lover traits (۶۱٪) have the highest frequency and images related to the lover's body with (۶٪) have the least use. These images - which reflect the poet's conscience in the form of words and form the basic element of his poetry - show the power of words, eloquence and pleasantness of his words.

DOI: [10.22034/bahareadab.2022.15.7089](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.15.7089)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۱۳	 ۰	 ۱

مقدمه

شعر بیان احساساتی است که حاصل تجربیات شاعر است و از عواطف و روحیه او سرچشمه میگیرد؛ آینه تمام‌نمای ناخودآگاه ضمیر شاعر، شعر او است. یکی از روشهایی که شاعران بواسطه آن به بیان ذهنیات و تجربیات خود میپردازند، تصویرآفرینی است. شفیعی کدکنی (۱۳۸۹) تصویر را درمقابل ایماژ بکار برد و آن را حاصل تجربه‌های عاطفی شاعر معرفی کرد (همان: ص ۱۷). تصویر یکی از مشخصه‌های مهم شعر است و در نقد ادبی جدید بسیار مورد توجه قرار گرفته است. البته در گذشته در بلاغت اسلامی نیز به آن توجه داشتند. در زبان فارسی، درمقابل ایماژ (خیال)، قرار گرفت. در بلاغت فارسی به آن تصویر و در بلاغت عرب «صورة» و «تصویر» میگویند (فتوحی، ۱۳۸۶: ۳۹-۳۷). از نظر بلاغت سنتی و نقد ادبی جدید، کارکرد تصویر هرگونه تصرف خیالی در زبان است. به عبارتی تصویر، شگردی است که شاعر اندیشه و احساس خود را با صناعات ادبی و صور خیال چون تشبیه، استعاره، اغراق، و کنایه با مخاطب به اشتراک میگذارد. فتوحی (۱۳۸۶) تصویرپردازی را به دو دسته کلی تقسیم میکند. دسته‌ای از تصاویر که بوسیله زبان قاموسی بوجود می‌آیند که به آن ایماژ زبانی میگویند و دسته دوم تصاویری است که از کارکرد صنایع بلاغی چون تشبیه، استعاره، و کنایه شکل میگیرد. به این دسته که از صنایع معنوی برای ساخت تصویر استفاده میکنند، ایماژ مجازی میگویند (همان: ۴۶). بطور مثال واژه «سرو»، که در زبان قاموسی به معنای نوعی درخت است، در زبان مجازی گاه به معنای «قامت بلند یار» بکار میرود. در این پژوهش نیز این دسته‌بندی مبنا قرار گرفته و به بررسی تصویر (ایماژ) مجازی در اشعار سعدی با تکیه بر تشبیه و استعاره پرداخته شده است. سعدی از جمله شاعرانی است که عشق و هیجانات و احساسات ناشی از آن را در غزلهایش به شیوایی و به شیوه سهل و ممتنع - که ویژگی برجسته سبک سخن اوست - بتصویر میکشد. تصاویر هنرمندانه و دلنشینی که او از این احساسات بدست داده و با آفرینش نگاره‌هایی دلنواز، سخن خویش را دلپسند نموده، قابل تأمل است. وی از شاعران عاشقانه‌سراست که اشعارش را در سه ساحت عشق، عاشق و معشوق، سروده است. او با زبانی شیوا و لطیف، تصاویر زیبایی از این سه رکن در غزلیاتش بنمایش میگذارد. این پژوهش به بررسی تصویر عاشق در سیصدوشصت غزل از «دیوان غزلیات» به کوشش خلیل خطیب رهبر (۱۳۷۷) میپردازد. در این پژوهش، تصاویری که بر پایه تشبیه و استعاره ساخته شده، بررسی گردیده است و به این پرسشها پاسخ داده شده که:

تصویر در غزل سعدی چه جایگاهی دارد؟

تصاویر عاشق در غزل سعدی به چند دسته تقسیم میشود؟

کدام تصاویر بسامد بیشتری در غزلها دارد؟

سابقه پژوهش

پس از آنکه مسئله تصویر و خیال در شعر ازسوی شفیعی کدکنی مطرح شد، ادب‌پژوهان به بررسی تصاویر شعری در آثار بزرگان ادب پرداختند و هر یک به شیوه‌های متفاوت، تصویرپردازی را در آثار بزرگان بررسی نمودند. از آن جمله میتوان مقاله «بررسی بسامد تصاویر در غزلیات سعدی» از بخشی (۱۳۹۴) را نام برد که در آن نویسنده به این نتیجه رسیده که بیشترین تصاویر مربوط به اندام انسان و حالات روحی عاشق و معشوق است. در بسیاری از موارد سعدی تصاویر کلیشه‌ای را بصورت خلاقانه و نو نمایش میدهد. مورد بعدی مقاله «تصویرگری بی صورت خیال در شعر سعدی» از سوسن جبری (۱۳۹۱) است که در آن به بررسی تصویری که سعدی در غزلهایش بدون کمک علم بیان ایجاد کرده است، میپردازد. وی بیان میدارد که سعدی تصاویر را به دو شیوه، با صور خیال و بدون صور خیال ارائه داده است. در دسته اول تجربیات روزمره زندگی را بدون بهره گرفتن از صورخیال در ذهن خواننده

مجسم میسازد. دسته دوم سرشار از تصاویر شعری و عاطفه و خیال هستند که این دسته را شعر تصویر نامیده است.

درمورد تصویر در آثار سعدی و غزلهای عاشقانه‌اش مقالات زیادی نوشته شده اما در مقوله این جستار «تصویر عاشق در غزل»، پژوهشی انجام نشده است. به یقین یکی از دلایل زیبایی و ماندگاری شعر و سخن سعدی بکارگیری استادانه تصویرآفرینی برپایه صوری چون تشبیه و استعاره است و ارائه تصاویری با محوریت عاشق یکی از ارکان غزلهای عاشقانه اوست؛ بنابراین در این پژوهش به جایگاه تصویر عاشق در غزلیاتش پرداخته و مشخص نموده‌ایم که عاشق در غزل سعدی به چه صورتی تصویر کشیده شده است.

روش مطالعه

این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی به تبیین تصاویر پرداخته است. نخست تعاریفی از تصویر بیان شده، سپس تصاویر مربوط به عاشق در سیصدوشصت غزل سعدی بررسی شده است. این تصاویر به سه گروه کلی دسته‌بندی شده است. دسته اول تصاویر مربوط حالات ظاهری عاشق است. دسته دوم تصاویر مربوط به احوال درونی عاشق است، و دسته سوم تصاویر مربوط به صفات عاشق است. بسامد دسته‌های سه‌گانه نیز بررسی گردید. بدلیل فراوانی شواهد، یک یا دو بیت بعنوان نمونه بیان شده و از مصادیق دیگر، فقط نشانی ارائه شده است.

بحث و بررسی

شاعران در غزلها و اشعارشان آنچه را که در ضمیر دارند، به شیوه‌های متعدد بنمایش میگذارند که یکی از این شیوه‌ها و شگردها، تصویرآفرینی است. تصویر یکی از مهمترین عناصر زیبایی در شعر است که آن را مانند عکسی تعریف کرده‌اند که در کلمه ظهور مییابد (براهنی، ۱۳۵۸، ج ۱: ۱۳۷). در این روش، شاعر به بهره‌گیری از صنایع ادبی و شیوه‌های بلاغی چون تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز، حس‌آمیزی، و تشخیص، تصاویر را بوجود می‌آورد؛ بنابراین تصویر تجسم ذهنیات شاعر در مقابل مخاطب است که باعث التذاد ادبی و تحریک عواطف خواننده میشود و به وی ادراک بهتری از پیام شعر میدهد.

در ادبیات فارسی تصویر همیشه با صور خیالی چون تشبیه، استعاره، کنایه، و مجاز مطرح میشود و آن را بیان خلاقانه احساس به کمک ابزار بلاغت میدانند. در انگلیسی معانی متعددی چون «شکل و سایه و تشبیه» در بلاغت عربی «صوره» و «تصویر» و در زبان فارسی «خیال» گفته میشود؛ اما در نقد ادبی آن را بصورت «تصویر» مطرح میکنند (فتوحی، ۱۳۸۶: ۳۸). در لغتنامه دهخدا به معنی صورت و شکل قرار دادن برای چیزی یا نقش کردن و رسم نمودن چیزی آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه). اصطلاح تصویر در شعر برای اولین بار توسط شفیعی کدکنی (۱۳۸۹) در کتاب صور خیال در شعر فارسی معادل ایماژ غربی بکار رفت و «آن را تصویر مادی یا ذهنی از یک شیء» تعریف کرد (همان: ۱۰).

در گذشته نیز تصویر در شعر مطرح بوده است. قدیمیترین تعریف از تصویر در شعر را جاحظ بصری بیان کرد و شعر را گونه‌ای از بافندگی و تصویر نامید (الحيوان، ج ۳: ص ۱۳۲). از میان اهل بلاغت، عبدالقادر جرجانی کاملترین تعریف را آورده، صورت را تمثیلی از آنچه میبینیم میدانند. به نظر او تفاوتی که میان دو چیز در ذهن شکل میگیرد، بخاطر تفاوت میان صورت آن دو چیز است. میگوید اگر میان دو انسان تفاوت میبینیم بخاطر اختلاف در خصوصیات

آنهاست؛ بنابراین اگر میان دو بیت تفاوتی میبینیم، این تمایز بخاطر این است که معنی در یک بیت صورتی دارد که با بیت دیگر متفاوت است (دلائل العجاز: ص ۳۹۸). به نظر او تصویر است که باعث تفاوت میان دو چیز میشود. منتقدان در نقد جدید نیز تصویر را با الهام از دیدگاه منتقدان اسلامی تعریف کرده‌اند. براهنی (۱۳۵۸) در تعریف تصویر میگوید: «حلقه زدن دو چیز از دو دنیای متغایر است بوسیله کلمات در دو نقطه معین» (براهنی، ۱۳۵۸، ج ۱: ص ۱۱۴). شفیعی کدکنی (۱۳۸۹) نیز معتقد است: «تصویر به مجموعه تصرفات بیانی و مجازی (از قبیل تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز) اطلاق میشود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ص ۹). بر اساس این تعاریف، تصویر در حقیقت خیالی است که از پدیده‌ها، در ذهن مینشیند. امروزه همه ادیبان در این مسئله اتفاق نظر دارند که ایماژ به معنی خلق جهانی خیالی از طریق صور خیال چون تشبیه، استعاره، مجاز، و کنایه است و تفاوتی میان ایماژ و صور خیال قائل نشده و این دو را مترادف هم میدانند. فتوحی (۱۳۸۶) در کتاب بلاغت تصویر، تصویر را به دو دسته کلی ایماژ زبانی و ایماژ مجازی تقسیم میکند (فتوحی، ۱۳۸۶: ۴۶). «تصویر یا ایماژ زبانی» به تصاویری گفته میشود که ذهن ما هیچ دخل و تصرفی در آن ندارد و براساس طبیعت خود عمل میکند. مثلاً وقتی تصویر سیب براساس تجربه حسی در ذهن شکل میگیرد، همان تصویر طبیعی و عینی است که ما در واقعیت آن را تجربه کردیم. «تصویر مجازی» در حقیقت تصویری است که خیال انسان بر اساس اصول و قواعدی از پدیده‌ها و اشیا در ذهن ایجاد میکند؛ تصویری که ارتباط نادر و غیرعادی در بین آنها برقرار میکند. این اصول و قواعد همان صور خیال چون تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز هستند که هنرمند با کمک این اصول و قواعد ارتباط نادری در بین پدیده‌ها برقرار میکند که باعث تولید تصویر میشود و ذهن نیز آن را میپذیرد (همان: ۴۶-۵۹). در این مقاله تصاویر عاشق در غزلیات سعدی بررسی گردیده است.

تصویر در غزل سعدی

غزل از نوع عاشقانه و بیان احساسات را در حیطه استادی شیخ اجل میدانند. الطاف حسین حالی (۱۳۹۵) معتقد است: «در قصاید قدما نیز تغزل دیده میشود، ولی موجد غزل سرایی و محسناتش، سعدی است» (حالی، ۱۳۹۵: ۲۲۹). بیشترین بخش سروده‌های سعدی را غزلهای عاشقانه او تشکیل میدهد. این اشعار انعکاس اندیشه‌های عاشقانه اوست. او خود عاشق است و استاد عشق‌ورزی است. درمورد ویژگیهای غزلهایش میتوان به این سخن از رستگار فسایی (۱۳۷۹) استناد کرد: «زالترین و بیپرده‌ترین عواطف و احساسات شخصی و غنایی سعدی، یکسره در غزلهایش منعکس شده و غزل او وقف عشق و مستی است. بدین معنی که غزلهای سعدی نه تنها دید عاشقانه و زیبایی‌پسندانه و رندانه شاعر را متبلور میسازد و زوایای احساس و عاطفه و رنجهای شاد و شادیهایی این شاعر عاشق‌پیشه را در سطح عشق عادی و عرفانی یا زمینی و آسمانی نشان میدهد، آئینه التهابات و نگرانیها و شور و حال مردم ایران نیز هستند» (رستگار فسایی، ۱۳۷۹: ۱۱). وی با زبان شعر، تصاویری را خلق میکند که مخاطب را با خود همراه میسازد. این تصویرها در اشعارش چنان روان و سیال است که عده‌ای را بر این گمان داشت تا شعر او را فاقد تصویر بدانند. فتوحی (۱۳۸۶) معتقد است: «در غزلهای سعدی تشبیهات و استعاراتی که ابداع شخص وی باشد، اندک است؛ بگونه‌ای که گاه در یک غزل سعدی یک تصویر مجازی ولو تکراری و متداول هم نیامده است» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۴۲۱-۴۲۲). عده‌ای مانند انوری (۱۳۸۸) نیز معتقدند تصویر در شعرش وجود دارد اما تصاویر او تکراری است و هنر سعدی در این است که این تصاویر را در جای مناسب و بگونه‌ای بکار میبرد که بار عاطفی بیشتری داشته باشد (انوری، ۱۳۸۸: ۱۲-۱۳). اشعار سعدی بواسطه ویژگی سهل و ممتنع، چنان خواننده را

مجدوب خود میکند که کمتر به ظرافتهای هنری و تصویرآفرینی توجه میکند. او با خلاقیت در شعر با صور خیال چنان میان عناصر واقعی و تصورات ذهنی خود ارتباط برقرار میکند که باعث ایجاد حس همدلی و همذات‌پنداری در خواننده میشود. «سعدی را از نظر زیبایی و روانی و فصاحت و بلاغت کلام، منتهای زبان فارسی دانسته‌اند. سخن او سهل و ممتنع و دارای الفاظ مستعمل و همه‌فهم و درعین‌حال فصیح است... لغات و عبارات در اوج فصاحت و درعین‌حال در کمال سادگی است. بطوریکه در بدایت امر معلوم نمیشود که دارای چه ظرایف و صنایعی است» (شمیسا، ۱۳۶۹: ۸۷-۸۸). بر این اساس نمیتوان شعر سعدی را بدون تصویر قلمداد کرد. تصویر یکی از مهمترین عوامل در ایجاد ارتباط با مخاطب است که در آن شاعر آنچه در ذهن دارد محسوس و عینی میسازد و خواننده را با تجربیات خود شریک میسازد تا به همان التذادی دست یابد که خود از این تجربه کسب کرده است و ذهنیات خود را درمقابل مخاطب مجسم میکند. سعدی نیز با غزلیاتش آنچه در ضمیر دارد بر خواننده آشکار میسازد و عواطف خود را با تشبیه و استعاره و در قالب واژگان بنمایش میگذارد.

تصاویر عاشق در غزلیات سعدی

تصاویر مربوط به احوال ظاهری عاشق

تصویرآفرینی با توصیف ظاهری انسان از جمله موضوعاتی است که شاعران سبک عراقی، برای بتصویر کشیدن تجارب عاشقانه و احساسات شاعرانه خود از آن بهره میبرند. در اشعار سعدی نیز این تصاویر دیده میشود. او از ویژگیهای جسمانی و ظاهری در تصاویر بهره برده است. در ادامه به تصاویری که سعدی از ویژگیهای جسمانی و ظاهری عاشق در غزلیات خویش بنمایش گذاشته، پرداخته میشود. در باور انسانها، جسم و اندام، نشان‌دهنده حالات روحی است. این نکته حتی در ضرب‌المثلهای عامیانه نیز آمده: «رنگم رو بین، حالم را بپرس» (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه رنگ). همچنین این باور وجود دارد که عشق رنگ رخسار را زرد میکند. عاشق نه تنها دل را در راه عشق میبازد، بلکه جسم و جان را نیز در این راه فدا خواهد کرد. داشتن جسم لاغر و نحیف و چهرهای زرد، از مشخصات عاشق است، که در ادبیات فارسی نیز به آن اشاره شده است. درد عشق در وجود عاشق جسمش را رنجور و بیمار میکند. عاشق دلسپرده یار، حاضر است برای جلب توجه معشوق، جان را فدا سازد؛ بنابراین بذل جسم برایش آسان است. بر این اساس شاعر، برای نشان دادن بی‌ارزشی جسم عاشق، آن را به لاشه-مردار، که نشانه پستی و زبونی است، مانند میکند و آن را دارای ارزش فدا کردن در راه یار نمیداند. جان باختن آسان است اندر نظرت لیکن / این لاشه نمیبینم شایسته قربانت (دیوان غزلیات سعدی، ج ۱: ص ۲۱۷)

او جسم را بصورت گل (همان: ص ۳۸۱)، سبو (همان: ص ۳۷۹) و تخته (همان: ص ۳۸۶) نیز بتصویر میکشد. **چهره عاشق:** عده‌ای معتقدند حال نهان عاشق را از چهره‌اش میتوان دید. سعدی این نکته را در غزل اینگونه بیان میدارد: «رنگ رخساره خبر میدهد از حال نهانم» (همان: ص ۶۱۵). وی برای توصیف چهره سرخ و لاله‌گون عاشق، که از درد عشق زرد شده، از رنگ زعفران و سکه استفاده میکند تا احوال قلبی او را نشان دهد. جز دیده هیچ دوست ندیدم که سعی کرد / تا زعفران چهره من لاله‌گون شود (همان: ص ۳۹۹)

روی و چشمی دارم اندر مهر او / کاین گهر میریزد آن زر میزند (همان: ص ۳۴۶)

قامت عاشق: بار عشق، طاقت فرسا و کمرشکن است. عاشق در زیر بار سنگین عشق، قد خم میکند. شاعر برای نشان دادن سنگینی بار عشق و بیان حال عاشق در زیر این بار، خمیدگی قامت عاشق را اینگونه بتصویر میکشد:

چون قامت کمان صفت از غم خمیده دید / چون تیر ناگهان ز کنارم بجست یار (همان: ص ۴۴۰)

چشم عاشق: از میان اعضای بدن، چشم در اشعار عاشقانه، عضوی بسیار پرکاربرد است. شاعر برای تصویرسازی، تشبیهات و استعارات متعددی را بواسطه چشم، در اشعار خود بکار میبرد. گاهی آن را چون ابر گریان و گاهی چون نرگسی زیبا و دلفریب میبیند. سعدی برای بیان عواطف و احساسات عاشقانه، تصاویری چون مسمار و ابر را از چشم بنمایش میگذارد. او در بیتی با بهره‌گیری از تشبیه، چشم عاشق را چون مسمار بر در خانه میبیند که چشم‌پراه معشوق است. جایگاه میخ کوبیده بر روی در، دائمی است. از اینرو میخکوب شدن کنایه از سکون و بیحرکتی است. شاعر برای نشان دادن شوق دیدار محبوب و انتظاری که عاشق برای ورود معشوق به خانه دارد، چشمش را بصورت میخی بتصویر میکشد که به در دوخته شده است و از آن جدا نمیشود.

باز آ و حلقه بر در رندان شوق زن / کاصحاب را دو دیده چو مسمار بر در است (همان: ص ۱۰۰)

در بیتی دیگر، چشم عاشق بسان ابری است که در هجران یار چنان گریان است که اگر سیل راه نیفتد و به دریا نرسد، جای شگفتی است.

ابر چشمانم اگر قطره چنین خواهد ریخت / بوالعجب دارم، اگر سیل به دریا نرسد (همان: ص ۲۷۷)

در بیانی دیگر چشم عاشق را به برگی مانند میکند که در زمستان نیز تروتازه است. فراق و جدایی برای عاشق مانند زمستان سرد و سخت است. شاعر فراق را چون زمستان، سرد توصیف میکند و چشم عاشق را برگ گلی میداند که باید در سرمای زمستان خشک و پژمرده شود؛ اما بسبب اشک فراوانی که از فراق یار از چشمش جاری است، نه تنها خشک و پژمرده نشده، بلکه تروتازه است.

برگ چشمم مینخوشد در زمستان فراق / وین عجب کاندلر زمستان برگهای تر بخوشد (همان: ص ۳۱۲)

قامت عاشق: کشیدن بار عشق برای عاشق، دشوار بلکه جانکاه است. آنگاه که سعدی سنگینی بار عشق را بر دوش عاشق بتصویر میکشد، ابروی کمان یار در نظرش جلوه‌گری میکند و قامت عاشق را، که در زیر بار عشق خمیده شده، چون ابروی یار، خمیده و کمائی مینماید.

کارم چو زلف یار پریشان و درهمست / پشتم بسان ابروی دلدار پرخمست (همان: ص ۱۱۷)

تصویر حالات عاطفی و درونی عاشق

ادبیات غنایی - که غزل مهمترین قالب شعری آن است - بیانگر عواطف و احساسات و آرزوها و حتی گله‌ها و شکایات عاشق از معشوق است. سعدی افزون بر اینکه از ظاهر و جسم و اندام عاشق در غزلیاتش تصاویری را پیش چشم خواننده بنمایش میگذارد، به عواطف و احساسات او نیز بسیار توجه دارد و برای بهتر نشان دادن احساسات عاشق، با بکارگیری صور خیال، تصاویری زیبا ترسیم میکند که دلنشین و روحنواز است. این تصاویر بترتیب بسامد در پی می‌آید.

دل عاشق: دل، آینه‌ای است که عواطف و احساسات نیک و بد را میتابد. عشق بر دل میتابد و غمها و شادیهایش بر این گوهر والا مینشیند. سعدی در بیان عواطف و احساسات عاشق، با بهره‌گیری از تشبیه و استعاره، آن را به صورتهای مختلف چون اشیا، پرندگان، و باغ تصویر کرده است. او دل را به کباب (همان: ص ۴۴)، سنگ (همان: ص ۲۱۶)، موم (همان: ص ۲۴۷)، حقه راز (همان: ص ۲۳۴)، جام (همان: ص ۳۱۰)، تنور (همان: ص ۲۳۳)، شمع (همان: ص ۲۷۰)، صندوق (همان: ص ۳۶۲)، رایت (همان: ص ۲۶۵)، مجمر عود (همان: ص ۳۱۳)، باغ (همان: ص ۳۱۵)، یوسف (همان: ص ۲۱۴) و مرغ (همان: ص ۲۳۸) مانند کرده است.

شاعر در بیتی دل‌عاشق را به موم مانند میکند که در آتش تیز عشق، گرفتار است. اگر بسوزد جای شگفتی نیست؛ زیرا این آتش چنان تندوتیز است که فولاد را نیز ذوب میکند.

دلی عجب نبود گر بسوخت کآتش تیز / چه جای موم که پولاد در گداز آرد (همان: ص ۲۴۵)

دل عاشق، صندوقچه راز معشوق است. شاعر برای نشان دادن رازداری عاشق میگوید:

مشکن دلم که حقه راز نهان توست / ترسم که راز در کف نامحرم اوفتد (همان: ص ۲۳۴)

یکی از جنبه‌های زیبایی‌شناسی معشوق، داشتن گودی در چانه است که در ادبیات فارسی به چاه زخندان تعبیر میشود. شاعر، دل‌عاشق را، که گرفتار زیبایی این چاه است، چون سنگی تصویر میکشد که در آن افتاده است.

هرچند نمیسوزد بر من دل سنگینت / گویی دل من سنگیست در چاه زخندان (همان: ص ۲۱۶)

دل عاشق بواسطه وجود عشق و درد و رنج ناشی از آن، زودرنج و حساس میشود. او دلی لطیف و شکننده دارد. شاعر برای نشان دادن نازکی دل و حساس بودن عاشق، دل را جامی میداند که از جنس شیشه و نازک و شکستنی است.

بیش احتمال سنگ جفا خوردنم نماند / کز رقت اندرون ضعیفم چو جام شد (همان: ص ۳۱۰)

وجود عاشق: در سروده‌های عاشقانه، وجود عاشق پیوسته در آتش دوری یار میسوزد و هستی عاشق، وابسته به توجه معشوق است. شاعران، همواره این سوزوگداز در وجود عاشق را با تصاویری زیبا بنمایش میگذارند. سعدی نیز در بیتی اندازه دهان یار را به تنگی دل خود و وجود عاشق را به میان باریک یار مانند میکند.

مگر دهان تو آموخت تنگی از دل من / وجود من ز میان تو لاغری آموخت (همان: ص ۵۱)

در بیتی دیگر، عشق را دریای بیکرانی میداند که وجود عاشق چون کشتی در آن سرگردان است و جان بدر نخواهد برد. وی رهایی از این عشق را ناممکن میداند.

سعدیا کشتی از این موج بدر نتوان برد / که نه بحریست محبت که کرانی دارد (همان: ص ۲۵۷)

در ابیات دیگر، شاعر وجود عاشق را، که در عشق محبوب و غم دوری او گرفتار است، با تصاویری چون خرمن (همان: ص ۲۹۲)، کشتی (همان: ص ۴۲۵)، سپر (همان: ص ۴۶۲)، مس (همان: ص ۳۹۶)، عدم (همان: ص ۳۰۳)، چمنزار (همان: ص ۳۱۴) و بدر (همان: ص ۳۰۹) مانند میکند. سعدی برای بیان صفات وجود عاشق، با توجه به باورهای مردم، از حیوانات نیز برای تصویرآفرینی استفاده کرده است. باورهایی چون «هما» که در میان ایرانیان، پرنده خوشبختی است یا زاغ که نماد بدشگونی و پستی و لثامت است.

سعدی گاه وجود عاشق را به آشبان زاغی مانند میکند که درخور عشق سیم‌رغون یار نیست.

سعدی به قدر خویش تمنای وصل کن / سیم‌رغ ما چه لایق زاغ‌آشبان توست (همان، ج ۱: ص ۷۸)

وی با بهره‌گیری از «هما» تصویری دیگر بدست میدهد.

خیال روی توام دوش در نظر میگشت / وجود خسته‌ام از عشق بیخبر میگشت

همای شخص من از آشبان شادی دور / چو مرغ حلق بریده به خاک بر میگشت (همان: ص ۱۹۹)

آه عاشق: عشق همواره با آه و ناله همراه بوده است. عاشق در این اشعار در غم دوری یار یا از سوز عشق میگریزد و ناله سرمی‌دهد. در نگاه سعدی، آه عاشق وقتی از نهادش برآید، چون سنگی میشود که به طاق آسمان میخورد و در گلشن فرشتگان غوغا بپا میکند.

غلغل فکند در روحم در گلشن ملائک / هر گه که سنگ آهی بر طاق آبگون زد (همان: ص ۲۷۳)

عاشق به معشوق گوشزد میکند که اگر ناله سرمیهد و آه چون دودی از نهادش برمیخیزد، گناه معشوق است. وی میگوید:

گناه توست اگر وقتی بنالد ناشکیبایی / ندانستی که چون آتش دراندازی دخان آید (همان: ص ۴۲۳)
در ابیاتی دیگر نیز تصاویری از آه عاشق بدست میدهد و آن را با تعبیری چون آتش سوزان (همان: صص ۲۳۳، ۳۴۴، ۳۴۷)، دود (همان: ص ۳۹۶)، شرار (همان: ص ۴۴۶) و سنگ (همان: ص ۲۷۳) بیان میکند.

اشک عاشق: اشکها ممکن است از روی شوق باشد یا غم. به هر روی افشاکنده رازهای درونی است. اشکهایی که عاشق از سوز عشق، هجر یار یا بیوفایی معشوق میریزد، در اشعار سعدی با تعبیر گوناگونی چون سیل (همان: ص ۲۷۷) و آب حسرت (همان: ص ۲۷۶) آمده است و گاه بسبب ارزشمندی به یاقوت (همان: ص ۲۳۸) مانند میشود.

بگذشت و بازم آتش در خرمن سکون زد / دریای آتشینم در دیده موج خون زد (همان: ص ۲۷۳)
در بیتی دیگر شاعر اشک عاشق را به سرشک خونین و روی زردش را به زر مانند میکند. وقتی که یار از کنارش میگذرد، آتش هوس در وجودش شعله‌ور میگردد و در دیده اشک خونین موج میزند.

روی و چشمی دارم اندر مهر او / کاین گهر میریزد، آن زر میزند (همان: ص ۳۴۶)
گریه عاشق از موضوعات چشمگیر در غزلهای سعدی است. در سازه‌های تصویری وی، عاشق چنان غرق عشق است که حتی خنده یار نیز او را بگریه وامیدارد. این خنده‌ها در دلش چنان آشوبی برپا میسازد که اشک همچون باران از چشمانش سرازیر میشود.

تو که چون برق بخندی چه غمت دارد از آنک / من چنان زار بگیرم که به باران ماند (همان: ص ۳۲۵)
اندوه و محنت عاشق: گویا اندوه و محنت عاشق را کرانه‌ای نیست. او باید در برابر جفای یار، هجران و تیر بلای او، بردباری پیشه کند. شاعر اعتقاد دارد که عاشق در راه عشق باید این سختیها را بپذیرد. وی توصیه میکند: اگر بار عشق را میخواهی بر دوش بکشی و به گل وصال و خوشبختی دست یابی، باید خار هجران را نیز برتابی.

اینهمه سختی و نامرادی سعدی / چون تو پسندی سعادتست و سلامت (همان: ص ۲۱۲)
زهره مردان نداری، چون زنان در خانه باش / و به میدان میروی از تیرباران برمگرد (همان: ص ۲۳۹)
ای بادی هجران تا عشق حرم باشد / عشاق نیندیشد از خار مغیلات (همان: ص ۲۱۶)
در موارد دیگری نیز اندوه و محنت عاشق را بشکل خار مغیلات تصویر میکشد (همان: ص ۱۶۱ و ۳۵۰).
هجران و فراق همواره برای عاشق غیرقابل تحمل است. این دوری سبب درد و رنج در قلب عاشق میشود. در این حالت چون عاشق از شدت و سوز عشق به تنگ آید، فریاد مددجویی به درگاه خداوند برمی‌آورد. از اینرو شاعر برای تصویر کشیدن این فریادها و سوزوگداز آن در ذهن خواننده، آنها را به ناوک و سوزن تعبیر کرده است.

ناوک فریاد من هر ساعت از مجرای دل / بگذرد از چرخ اطلس همچو سوزن از حریر
چون کنم از دل شکیبایم، ز دلیر ناشکیب / چون کنم کز جان گزیر است و ز جانان ناگزیر (همان: ص ۴۵۲)
عاشق در غزل سعدی بسبب سوز عشق، هجران و ناملایماتی که از سوی یار به او میرسد، لب بسخن می‌گشاید؛ سخنانی که چون آتش سوزان است؛ بگونه‌ای که قلم در هنگام نگارش آن شعله‌ور میگردد و می‌گیرد.

ز سوزناکی گفتار من قلم بگیرست / که در نی آتش سوزنده زودتر گیرد (همان: ص ۲۶۹)

در غزل سعدی، عاشق در راه عشق جانفشانی میکند. او گوش به فرمان معشوق است؛ درحالی‌که محبوب در کشتن او بی‌باک است. سنگدلی و خونریز بودن از صفات معشوق در سبک عراقی است. ازاین‌رو شاعر در تصویری زیبا و در گواه خونریز بودن معشوق، سرخی خضاب بر سرانگشتان دلفریب او را خون عاشقان بتصویر میکشد.

ناوکش را جان درویشان هدف / ناخنش را خون مسکینان خضاب (همان: ص ۴۴)

عشق محبوب چنان حال عاشق را دگرگون می‌سازد که روزگارش نابسامان و پریشان می‌شود. شاعر برای نشان دادن این شوریدگی و بی‌سروسامانی، از زیباییهای معشوق بهره میبرد و زندگی و روزگار آشفته و نابسامان عاشق را چون زلفهای معشوق، آشفته و پریشان بتصویر میکشد.

تا سر زلف پریشان تو محبوب منست / روزگارم به سر زلف پریشان ماند (همان: ص ۳۲۵)

نگاه عاشق: نگاه و نظر در ادبیات عاشقانه جایگاه ویژه‌ای دارد. چشم را جایگاه نمایش عواطف و احساسات میدانند. همه عواطف از جمله غم و شادی، مهربانی و سنگدلی، عشق و نفرت را میتوان با نگاه و چشم انتقال داد (جلالی، ۱۳۸۵). شاعر با تشبیه، نگاه عاشق را به تیغ، شمشیر و عنان مانند کرده است.

داشتن عاشقان فراوان از ویژگی معشوق است. این مسئله باعث برانگیختن غیرت و حسادت عاشق میشود. اما به نظر عاشق، همه عشاق از روی صداقت به او نظر ندارند بلکه نادانی و هوس سبب شده است تا به چهره زیبای یار نظر بیفکنند. شاعر نگاه هوس‌آلود سایر عشاق را تیغی بتصویر میکشد که در برابر معشوق آهیخته شده است.

در رویت آن که تیغ نظر میکشد به چهل / مانند من به تیر بلا محکم اوفتد (دیوان غزلیات سعدی، ج ۱: ص ۲۳۴)

نظربازی و نظر انداختن به روی معشوق از ویژگیهای عاشق است. معشوق چنان زیبا و دلفریب است که نظر انداختن به او در اختیار نیست. بهمین علت، شاعر نظر و نگاه سرکش عاشق را بشکل توسنی سرکش بتصویر میکشد که برای کنترل و در اختیار داشتنش باید عنان بر آن زد.

ای دل، نگفتمت که عنان نظر متاب / اکنونت افکند که ز دست لگام شد (همان: ص ۳۱۰)

بردباری عاشق: از مشخصه‌های عاشق، صبوری و تحمل در برابر ناملایمات عشق و سرزنشهای رقیب و جفای معشوق است. از نظر سعدی عاشق باید صبور باشد و تاب هرگونه ناملایماتی را ازسوی یار داشته باشد. شاعر برای بتصویر کشیدن صبر و تحمل عاشق از عناصری که ملموس و تجربی است استفاده میکند. کوبیدن سنگ بر سر میخ امری است که برای همه قابل لمس است و هر کسی که چنین تجربه‌ای داشته باشد، میداند که میخ باید بسیار محکم باشد تا ضربات سنگ را تاب بیاورد. ازاین‌رو عاشق را بصورت میخی بتصویر میکشد که در برابر سنگ جفای یار محکم و استوار است.

عشق را پیشانیی باید چو میخ / تا حبیبش سنگ بر سر میزند (همان: ص ۳۴۶)

صفات عاشق

سعدی علاوه بر ارائه تصویر از حالات ظاهری و احوال درونی عاشق، به صفات و ویژگیهای او نیز توجه دارد. وی با بهره‌گیری از استعاره و تشبیه، در غزلیاتش، تصاویری روشن از صفات عاشق می‌آفریند. عاشق در غزل سعدی نمونه کاملی از عاشق خوار و ذلیل در برابر معشوق جفاکار سبک عراقی است.

صید حرم: صید گشتن یکی از صفات و ویژگیهای عاشق در غزل سعدی است. او همیشه در دام معشوق اسیر است. یار که خونریز و سنگدل است حسنی دارد که چون کعبه مقدس و پرستیدنی است و عاشقان را در گرد خود به طواف وامیدارد. ازاین‌رو سعدی عاشقان را، که در حرم حسن محبوب ساکن هستند، به صید حرم که کشتن آنها در محدوده حرم، حرام است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه حرم) تشبیه میکند و ریختن خونشان را حرام میداند:

خون صاحب‌نظران ریختی ای کعبه حسن / قتل اینان که روا داشت که صید حرمند؟! (همان: ص ۳۶۰)
 آشفته چون موی یار: آشفته‌گی و پریشانی از صفات عاشق است. شاعر برای نشان دادن این ویژگی، از آشفته‌گی و پریشانی زلف معشوق، که از مظاهر زیبایی اوست، استفاده میکند و احوال عاشق را چون موی یار پریشان و آشفته بتصویر میکشد. سعدی با این تصویر، نه تنها احوال پریشان و آشفته عاشق را نمایش میدهد، بلکه زیبایی معشوق را نیز بتصویر میکشد.

خلقی چو من بر روی تو آشفته همچون موی تو پای آن نهد در کوی تو کاول دل از سر بر کند (همان: ص ۳۵۱)

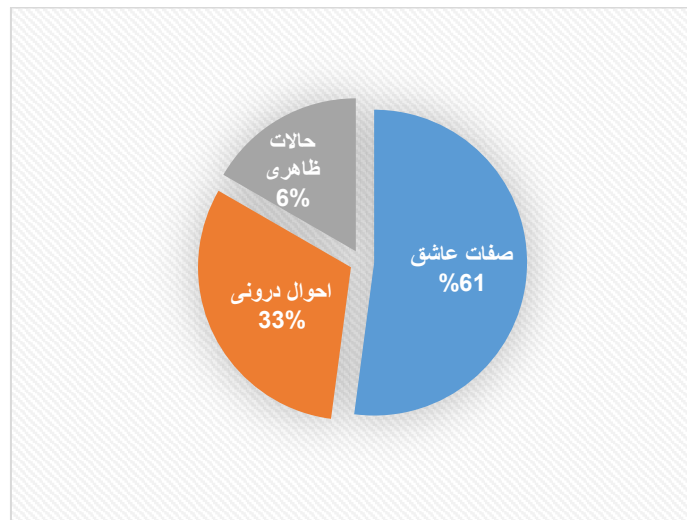
تصاویر صفات عاشق در غزل سعدی بترتیب بسامد عبارتند از:

اسیر یار (همان: صص ۴۲، ۸۰، ۲۵۹، ۱۷۰، ۳۰۳، ۳۶۰، ۳۷۰، ۴۲۵)، تشنه (همان: صص ۴۲، ۱۱۱، ۲۱۶، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۶۳، ۴۰۳)، کشته (همان: صص ۸۹، ۱۵۵، ۳۰۳، ۳۳۹، ۳۸۲، ۴۷۴)، سوخته (همان: صص ۱۶۸، ۲۳۰، ۳۱۹، ۳۷۵، ۵۲۸)، غرقه (همان: صص ۳۴۷، ۴۳۸، ۴۷۵، ۴۸۴، ۵۰۳)، دلسوخته (همان: صص ۳۱۹، ۳۶۰، ۳۸۱)، شوریده‌سر (همان: صص ۱۳۵، ۲۷۴، ۲۸۳)، مستسقی (همان: صص ۱۶، ۹۷، ۲۲۷)، مسکین (همان: صص ۴۴، ۲۱۸، ۲۵۱)، محب (همان: صص ۱۱۶، ۲۵۱)، بیدل (همان: صص ۱۷۷، ۳۱۵)، اهل دل (همان: صص ۳۹۳، ۳۷۲)، پخته (همان: صص ۲۶، ۳۲۹)، خسته (زخمی) (همان: صص ۱۵۷، ۴۰۹)، دردمند (همان: صص ۱۰، ۲۸۴)، یار مهربان (همان: صص ۴۹، ۳۰۱)، مجروح (همان: صص ۳۱۲، ۳۸۴)، بنده (همان: ص ۴۷)، آشنا (همان: صص ۱۲، ۳۴۷)، آشفته (همان: ص ۳۳۲)، افتاده مسکین (همان: ص ۴۲۷)، امیدوار (همان: ص ۳۴۵)، بسته زنجیر زلف (همان: ص ۴۴۹)، بصیر (همان: ص ۴۴۸)، بندی مهر (همان: ص ۴۳۸)، بیمار (همان: ص ۲۶۱)، پاکباز (همان: ص ۳۷۲)، جگرسوخته (همان: ص ۳۶۰)، حلقه‌زن در یار (همان: ص ۴۰۹)، خلوت‌نشین جان (همان: ص ۴۱۷)، دست‌آموز (همان: ص ۲۱)، دل‌آویخته (همان: ص ۳۸۷)، ربوده عشق (همان: ص ۱۹۷)، رهرو غم (همان: ص ۴۱۷)، زنده‌دل (همان: ص ۹۹)، سودازده (همان: ص ۱۷۵)، شهید عشق (همان: ص ۱۵۴)، شیدا (همان: ص ۳۰۴)، صاحب‌دل (همان: ص ۱۱۵)، صاحب‌هوس (همان: ص ۳۶۵)، صورت بیجان (همان: ص ۷۵)، صید حرم (همان: ص ۳۵۹)، ضعیف (همان: ص ۳)، طالب (همان: ص ۳۶۰)، طالب نوروز (همان: ص ۲۰)، طایر مسکین (همان: ص ۵)، قربانی (همان: ص ۴۰)، گرفتار بلا (همان: ص ۱۰)، گمکرده‌دل (همان: ص ۳۷۹)، متعش (همان: ص ۴۸۳)، مجاور (همان: ص ۴۳)، مقتول (همان: ص ۵۱۴)، ناخفته (همان: ص ۴۰۴)، ناشکیبا (همان: ص ۸) و نشانه (هدف تیر) (همان: ص ۳۸۴).

تحلیل آماری

همانطور که مشاهده شد در بررسی تصویر در ۳۶۰ غزل از سعدی، ۱۷۸ تصویر استخراج شد که ۱۰۹ مورد مربوط به تصاویر صفات عاشق (۶۱٪) و ۵۸ مورد مربوط به تصاویر احوال درونی (۳۳٪) و ۱۱ مورد مربوط به حالات ظاهری عاشق (۶٪) میباشد. از اینرو تصاویر مربوط به صفات عاشق، بالاترین بسامد را دارد که در نمودار ذیل نشان داده شده است.

نمودار بسامد تصویر عاشق در غزل سعدی



نتیجه‌گیری

هر شاعری، افکار و احساساتش را به کمک صور خیال، بیان میکند و بدین وسیله آنچه را در اطراف خود میبیند دستمایه‌ای قرار میدهد تا احساسات خود را بتصویر کشد. تصویر یکی از عناصر مهم شعر و تجسم ذهنیات شاعر است. شاعر، ذهنیات خود را محسوس و عینی ساخته و این‌گونه خواننده را با تجربیات خود شریک میکند تا به همان التذادی دست یابد که خود از این تجربه کسب کرده است. سعدی نیز از شاعران تصویرپردازی است که غزلیات او تصاویر مربوط به عشق، عاشق و معشوق را به کمال نشان میدهد. کلام ساده، روان و درعینحال پیچیده او، سرشار از تصاویر دل‌انگیزی است که هر خواننده‌ای را به اعجاب و تحسین وامیدارد. این پژوهش به بررسی تصویر عاشق در ۳۶۰ غزل سعدی پرداخته و به این نتیجه رسیده که تصاویری که سعدی از عاشق ارائه داده در سه دسته کلی قابل طبقه‌بندی است: تصاویر مربوط به صفات عاشق (۱۰۹) مورد، تصاویر مربوط به احوال درونی عاشق (۵۸) مورد، و تصاویری که از حالات ظاهری عاشق ارائه داده (۱۱) مورد است. این ارقام نشان میدهد سعدی در نمایش تصویر از عاشق، کمتر به تصویر حالات ظاهری عاشق پرداخته است، زیرا از نظر او عاشق در راه معشوق باید جان را فدا کند و جسم هیچ ارزشی ندارد. او به ویژگی و صفات درونی عاشق بیشتر توجه داشته است؛ چراکه آنچه عاشق باید در عشق بدان توجه داشته باشد، مضامین اخلاقی و وفاداری است. عاشق در شعر سعدی، عاشق-پیشه و نمونه عاشقان سرسپرده و تسلیم عشق در قرن هفتم است. او در راه معشوق جان میسپارد و دم نمیزند. از نظر فراوانی تصویر بترتیب بسامد، (۶۱٪) مربوط به تصاویر صفات عاشق، (۳۳٪) مربوط به تصاویر احوال درونی و (۶٪) مربوط به تصاویر حالات ظاهری عاشق میباشد. این تصاویر برگرفته از فرهنگ ایرانی و بیانگر موازین رابطه عاشقانه در آن دوره، یعنی عاشق زجرکشیده و معشوق جفاکار سبک عراقی است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد

گرگان استخراج شده است. آقای دکتر تقی امینی مفرد راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده اند. سرکار خانم سلیمه داریابی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته اند. سرکار خانم دکتر کبری نودهی به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هرسه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Al-Jahez, A. (۱۹۷۹). Alheyvan, Volume ۳. Research: Abdul Salam Haroon. Beirut, Lebanon: Dar al-Kitab al-Alamiya, P. ۱۳۲.
- Anvari, H. (۲۰۰۹). Selection of Sa'adi's lyric poems. ۲nd ed. Tehran: Qatre, PP. ۱۲-۱۳.
- Baraheni, R. (۲۰۰۶). Gold Dermes. volume ۱. Tehran: Zaman, P. ۱۱۴.
- Dehkhoda, A. (۱۹۹۸). dictionary. Tehran: Dehkhoda Dictionary Institute.
- Fotuhi, Mahmoud. (۲۰۰۷). Image rhetoric. Tehran: Sokhan.
- Hali, A.H. (۲۰۱۶). Hayat Sa'adi. Translated by Salahuddin Shahnavazi. Tehran: Ehsan, P. ۲۲۹.
- Jalali, M. (۲۰۰۶). The Kaaba of the Eye from Look to Color (Study of the word eye in Persian and Arabic literature). *Academy Letter*, N ۸, pp. ۸۴-۷۱.
- Jorjani, A. (۱۹۹۹). Dalayel al-e'jaz, Researcher Abdul Hamid Hindawi. Beirut. Lebanon: Dar al-Kitab al-Almiya, P. ۳۹۸.
- Rastegar fasa'ei, M. (۲۰۰۰). Hadith of love Sa'adi. By the effort of Kourosh Kamali Sarvestani, Tehran: Persian Studies Foundation in collaboration with Sa'adi. P. ۱۱.
- Sa'adi, M. (۱۹۹۸). Book of Poems. By the efforts of Khalil Khatib rahbar. Volume ۱. Tehran: Mahtab.
- Shafiee Kadkani, M. R. (۲۰۱۰). Sovar khiyal in Persian poetry. Tehran: Agah. P. ۹, ۱۰.
- Shamisa, Sirus. (۱۹۹۰). The journey of lyric poetry in Persian poetry. Tehran: Ferdows, PP. ۸۷-۸۸.
- Sharifi, M. (۲۰۰۸). Dictionary of Persian literature. Volume ۱. Tehran: No and Mo'ain, P. ۷۳۸, ۱۳۸۷.

فهرست منابع فارسی

- انوری، حسن. (۱۳۸۸). گزیده غزلیات سعدی. چاپ چهاردهم. تهران: قطره. صص ۱۲-۱۳.
- براهنی، رضا. (۱۳۸۵). طلا در مس. جلد ۱. تهران: زمان. صص ۱۱۴ و ۱۳۷.

- الجاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر. (۱۳۵۸). الحيوان، جلد ۳. تحقيق: عبدالسلام هارون. بيروت. لبنان: دارالكتب العلمية. ص ۱۳۲.
- جرجانی، عبد القاهر بن عبدالرحمن. (۱۴۲۰). دلائل العجاز فی علم المعانی. محقق عبدالحمید هنداوای. بیروت. لبنان: دارالكتب العلمية. ص ۳۹۸.
- جلالی، مریم. (۱۳۸۵). «کعبه چشم از نگاه تا رنگ (بررسی واژه چشم در ادبیات فارسی و عربی)». نامه فرهنگستان، (۳) ۸، صص ۷۱-۸۴.
- حالی، الطاف حسین. (۱۳۹۵). حیات سعدی. ترجمه صلاح‌الدین شهنوازی. تهران: احسان. ص ۲۲۹
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغتنامه. تهران: موسسه لغتنامه دهخدا.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۹). حدیث عشق؛ سعدی‌شناسی. به کوشش کوروش کمالی سروستانی. تهران: بنیاد فارس‌شناسی با همکاری مرکز سعدی‌شناسی. دفتر سوم. ص ۱۱.
- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۷۷). دیوان غزلیات. به کوشش خلیل خطیب رهبر. جلد ۱ و ۲. تهران: مهتاب.
- شریفی، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ ادبیات فارسی. جلد ۱. تهران: نشر نو و نشر معین. ص ۷۳۸ و ۱۳۸۷.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۹). صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگاه. ص ۹ و ۱۰.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۶۹). سیر غزل در شعر فارسی. تهران: فردوس. ص ۸۸-۸۷.
- فتوحی، محمود. (۱۳۸۶). بلاغت تصویر. تهران: سخن.

معرفی نویسندگان

سلیمه دارایی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.
(Email: fateme.daraee.55@gmail.com)

تقی امینی مفرد: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.
(Email: t.aminii44@yahoo.com) (نویسنده مسئول)

کبری نودهی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.
(Email: koobranodehi@gmail.com)

COPYRIGHTS

©۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Salimeh Daraee: PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.
(Email: fateme.daraee.55@gmail.com)

Taghi Amini Mofrad: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.
(Email: t.aminii44@yahoo.com: Responsible author)

Kobra Nodehi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.
(Email: koobranodehi@gmail.com)